

Studying the Narrative of Ashura Day in Manaqib A'l-e- Abi Talib by Ibn Shahrashoub based on Genet's theory of hypertextuality.

Hamed Safi¹

Received: 2021/12/29 | Accepted: 2022/02/19

Abstract

(DOI): [10.22034/SKH.2022.12625.1271](https://doi.org/10.22034/SKH.2022.12625.1271)

Original Article

P 27 - 64

The event of Ashura in the year 61 AH has allocated an important part of historical books from the third century onwards. The early historians, such as Tabari, Ibn Atham Kufi and Balazeri, mainly used books such as the Muqatal of Abi Makhnaf to narrate Ashura. Later writers also based their report on the use of previous historians' books. In the book "Manaqib A'l Abi Talib", Ibn Shahrashoub has tried to explain the merits and excellences of the Prophet of Islam and the infallible imams. Therefore, he inevitably used the book of Tarikh al-Tabari and Al-Futuh of Ibn Atham Kufi to deal with the event of Ashura. In the present study, an attempt has been made to compare the narration of Ibn Shahrashoub about the Day of Ashura with the quoted narration in Tabari's Tarikh and Al-Futuh of Ibn Atham based on the theory of hypertextuality of Genet. Hypertextuality is a theory that deals with the relationship between texts; In such a way that this relationship is not of the description or interpretation type. According to this theory, text A, which is advanced and called pretext, will be the source and inspiration of text B (hypertext). Based on the review and comparison of the mentioned texts, it was determined that Ibn Shahrashob has used sources in an eclectic manner on two levels of predicate and proposition. Also, the most transformation applied in his narration was of quantitative one (cut).

Keywords: Manaqib al-Abi-Talib, Tarikh al-Tabari, Al-Futuh, Fazun-Matnit, Ashura

1 - Department of Basic Sciences, Khorramshahr University of Marine Sciences and Technologies, Khorramshahr,
Iran. safi@kmsu.ac.ir



بررسی روایت روز عاشورا در مناقب آل ابی طالب ابن شهر آشوب بر اساس نظریه فزون‌متنیت ژنت^۱

حامد صافی^۲

شناسه دیجیتال (DOI): [10.22034/SKH.2022.12625.1271](https://doi.org/10.22034/SKH.2022.12625.1271)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۰۸ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۳۰

نوع مقاله: علمی پژوهشی

ص: ۶۴/۲۷

چکیده:

حادثه عاشورای سال ۶۱ هجری قمری، بخش مهمی از کتب تاریخی را از قرن سوم به بعد، به خود اختصاص داده است. مورخان متقدم، مانند طبری، ابن اعثم کوفی و بلاذری عمدتاً از کتبی مانند مقتل ابی مخنف برای روایت عاشورا بهره بردند. نویسندگان بعدی نیز گزارش خود را بر اساس بهره‌گیری از کتب مورخان پیشین بنا نهادند. ابن شهر آشوب، در کتاب «مناقب آل ابی طالب» تلاش کرده است تا به شرح مناقب و فضائل پیامبر اسلام و امامان معصوم بپردازد. بنابراین او ناگزیر از پرداختن به واقعه عاشورا، از کتاب تاریخ طبری و الفتوح ابن اعثم کوفی استفاده کرده است. در پژوهش حاضر، تلاش شده است تا روایت ابن شهر آشوب از روز عاشورا با روایت منقول در تاریخ طبری و الفتوح ابن اعثم بر اساس نظریه فزون‌متنیت ژنت سنجیده شود. فزون‌متنیت نظریه‌ای است که به رابطه میان متون می‌پردازد؛ به نحوی که این رابطه از نوع شرح و تفسیر نباشد. بر اساس این نظریه، متن الف که متقدم بوده و پیش‌متن نامیده می‌شود، منبع و الهام بخش متن ب یعنی پیش‌متن خواهد بود. بر اساس بررسی و مقایسه متون مذکور مشخص شد که ابن شهر آشوب در دو سطح پیرفت و گزاره، به شیوه التقاطی از منابع استفاده کرده است. همچنین بیشترین گشتار اعمال شده در روایت او، از نوع گشتار کمی (برش) بوده است.

واژگان کلیدی: مناقب آل ابی طالب، تاریخ طبری، الفتوح، فزون‌متنیت، عاشورا

^۱ - این مقاله مستخرج از نتایج طرح تحقیقاتی اجرا شده با شماره قرارداد ۱۷۵ مورخ ۱۳۹۸/۱۱/۲۰ از محل اعتبارات ویژه پژوهشی دانشگاه علوم و فنون دریایی خرمشهر می‌باشد.

^۲ . گروه علوم پایه دانشگاه علوم و فنون دریایی خرمشهر، خرمشهر، ایران. safi@kmsu.ac.ir



مقدمه

دهمین روز محرم الحرام سال ۶۱ هجری قمری، رخدادی بس مهم در سرزمین عراق به وقوع پیوست که در آن سومین امام شیعیان به همراه یاران اندکش در برابر سپاه پرشمار عمر سعد به نبرد پرداخته، به شهادت رسیدند. گذشته از تأثیرات مذهبی و عنوی این حادثه، اهمیت آن از نظر تاریخ‌نگاری و ضبط و نقل آن غیرقابل انکار است. این اهمیت تا جایی است که همه نویسندگان کتب تاریخی از قرن سوم به بعد، نتوانسته‌اند از روایت عاشورا چشم‌پوشند. تاریخ طبری، انساب الاشراف بلاذری، اخبار الطوال دینوری و الفتوح ابن اعثم از جمله کتب تاریخی متقدم است که امروزه به دست ما رسیده و مورخان متأخر، جسته و گریخته از این متون بهره گرفته‌اند. آن چه در میان گستردگی روایت عاشورا در کتب تاریخی مهم به نظر می‌رسد، اختلافات و تنوع این روایت‌هاست.

ابوعبدالله محمد بن علی بن شهر آشوب کتاب «مناقب آل ابی طالب» را با موضوع زندگی، مناقب و فضایل و خصایل پیامبر و ائمه اطهار در سال ۵۵۳ هجری قمری، در دوره خلافت مقتدی، سی و یکمین خلیفه عباسی نوشت (حسینی، ۱۳۹۵: ۷). در واقع، هدف اصلی ابن شهر آشوب، به گفته خودش، اثبات حقانیت و فضیلت امامان معصوم بوده‌است؛ چرا که در آن روزگار، مردم ایندرباره این حقانیت دچار فراموشی و اختلاف نظر شده بودند (ابن شهر آشوب، ۱۳۹۲: ۱/۱). بخش‌های این کتاب بر اساس ترتیب اهل بیت، از پیامبر اسلام (ص) به بعد است. بنا بر اذعان ابن شهر آشوب، در تدوین این کتاب، از منابعی مانند تاریخ طبری، انساب الاشراف بلاذری، تاریخ بغداد خطیب بغدادی و تاریخ ابوبکر احمد بن کامل بهره گرفته‌است (همان، ۶). نویسنده مناقب برای روایت رویداد عاشورای ۶۱ هجری قمری، از کتاب تاریخ طبری استفاده کرده‌است. «او تصریح نکرده که گزارش مبارزه و رجز اصحاب امام حسین علیه السلام را از فتوح ابن اعثم گرفته، اما با اندکی بررسی و مقایسه بین دو گزارش و شباهت بسیار گزارش ابن شهر آشوب با گزارش ابن اعثم، به سهولت دانسته می‌شود که ابن شهر آشوب در نگارش این قسمت از گزارش خود، از کتاب ابن اعثم بهره برده‌است (ر.ک. رنجبر، ۱۳۸۶: ۹۰- جعفریان، ۱۳۸۰: ۴۹). بنابراین، «تاریخ طبری» و «الفتوح ابن اعثم»، دو پیش‌متن «مناقب آل ابی طالب» است. در پژوهش حاضر، بر آنیم تا روایت عاشورا در این سه متن را بر اساس نظریه فزون‌متنیت ژنت بررسی کنیم تا از طریق این بررسی و مقایسه، به مهم‌ترین گشتارهای اعمال شده در روایت ابن شهر آشوب و خاستگاه آن دست یابیم. به بیان دیگر در پی پاسخ به این پرسش هستیم که شیوه

استفاده ابن شهرآشوب از منابع برای روایت روز عاشورا چگونه بوده و مهمترین گشتارهای اعمال شده در روایت او کدام است؟

پیشینه پژوهش

پژوهش‌هایی که درباره روایت عاشورا در مناقب ابن شهرآشوب انجام گرفته، در سه دسته جای می‌گیرند:

الف) پژوهش‌هایی که به صورت مستقل، به نقد منابع در «مناقب آل ابی‌طالب» اختصاص دارند:

۱- «بررسی منابع مفقوده اهل سنت در مناقب آل ابی‌طالب» مقاله‌ای است که با روش توصیفی انجام شده و نویسنده تلاش کرده تا با بررسی مطالبی که ابن شهرآشوب با استناد به منابع اهل سنت نقل کرده، چند و چون منابع گم‌شده اهل سنت را روشن کند (اسلامی، ۱۳۹۲: ۵۷).

۲- «بررسی روایات تاریخ کربلا با تاکید بر مناقب ابن شهرآشوب» عنوان پژوهشی است که با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع اسنادی و کتابخانه ای سامان انجام شده و در پایان به این نتیجه دست یافته است که با وجود مطابقت‌های بسیار زیاد مناقب با آثار پیش از آن، شاهد ناهماهنگی‌هایی نیز بین آنها هستیم (رضایی، ۱۳۹۲: ۱۵۵). به نظر می‌رسد عدم تکیه پژوهشگر بر روشی هدفمند و متقن، سبب شده تا به نتایج کلی و غیر دقیق دست یابد.

۳- «روش‌شناسی کتاب مناقب آل ابی‌طالب و آسیب‌شناسی آن در نقل از منابع اهل سنت» عنوان مقاله‌ای است که نویسنده با شیوه توصیفی-تحلیلی و با مطالعه اسنادی، تلاش کرده تا روش بهره‌گیری ابن شهرآشوب را از منابع اهل سنت واکاوی کند و به این نتیجه رسیده است که ابن شهرآشوب در تدوین کتاب خود، مراجعات متعددی به منابع اهل سنت داشته و گاهی روایات این منابع را نقد کرده است، اما این روش در همه کتاب او تعمیم نیافته و از این رو، دچار ضعف‌هایی شده است (حسینی، ۱۳۹۵: ۵).

ب) پژوهش‌هایی که در خلال بررسی دیگر متون، به کتاب مناقب نیز پرداخته‌اند:

۱- رسول جعفریان در مقاله‌ای با عنوان «درباره منابع تاریخ عاشورا» به کند و کاو کتبی پرداخته که رویداد عاشورای سال ۶۱ را روایت کرده‌اند. او در بخشی از این مقاله، در به اختصار، نکاتی را درباره کتاب مناقب و روایت عاشورایی آن متذکر شده است (۱۳۸۰: ۴۹).

۲- محسن رنجبر در مقاله « سیری در مقتل نویسی و تاریخ‌نگاری عاشورا از آغاز تا عصر»، در دو مقطع کلی، مقاتل و نگاشته‌های مربوط به تاریخ عاشورا از آغاز تا عصر حاضر را شناسایی و معرفی کرده‌است در مقطع نخست در دو بخش سامان یافته که در بخش اول آن به شناسایی و معرفی فهرست‌وار مقاتل از آغاز تا قرن هفتم پرداخته و در بخش دوم، آثار موجود در تاریخ عاشورا تا قرن هفتم به صورت توصیفی معرفی شده‌است. او در بخش دوم، در حد چند خط به معرفی روایت عاشورا در کتاب ابن شهر آشوب پرداخته‌است (۱۳۸۶: ۹۰).

۳- علی ملاک‌ظمی در کتاب «گونه‌های نقد و روش‌های حل تعارض در اخبار عاشورا» تنها نام کتاب مناقب را در فهرست منابع غیرمستقل روایت عاشورا ذکر کرده و از ارائه هر توضیح دیگری اجتناب کرده‌است (۱۳۹۰: ۷۴).

ج) پژوهش‌هایی که با استفاده از نظریه ژنت به بررسی متون دینی و اسلامی اختصاص داده شده‌اند: « بینامتنی روایی در صحیفه سجادیه بر اساس نظریه ژرار ژنت» عنوان مقاله‌ای است که در آن، سخنان امام سجاد (ع) را از حیث متن و معنا و شیوه گفتمان که متأثر از سخنان حضرات معصومین (ع) در پیش از خود بوده، مورد بررسی قرار گرفته است (کریمی فرد، ۱۳۹۶: ۳۵).

«تجلی آیات الهی در اشعار سنایی بر اساس بینامتنیت ژرار ژنت» عنوان پژوهش دیگری است که آثار سنایی را در آینه بینامتنیت مورد بررسی قرار داده و از پیوند عمیق آثار حکیم سنایی غزنوی با مباحث قرآنی پرده برداشته و مضامین قرآنی به کار رفته در آثار این حکیم شاعر را به تصویر کشیده‌است (یلمه‌ها و رجبی، ۱۳۹۶: ۳۵).

در مقاله «بینامتنیت قرآنی در طرب المجالس براساس نظریه ژرار ژنت» با شیوه توصیفی-تحلیلی و روش نقد بینامتنیت ژرار ژنت، نشان داده شده که دو نوع بینامتنیت صریح و ضمنی در طرب المجالس دیده می‌شود. بیشترین بهره نویسنده از بینامتنیت صریح است که به شکل اقتباس از آیات قرآن به اشکال و دلایل مختلف صورت گرفته است (خدابخشی و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۱۹).

روش‌شناسی پژوهش

ژرار ژنت، در کتاب الواح بازنوشتی، به معرفی نظریه فزون‌متنیت پرداخته‌است. تأثیر متن الف در متن ب مهمترین مسأله فزون‌متنیت به شمار می‌رود؛ به بیانی دیگر، مسأله اصلی و تعیین‌کننده الهام‌بخشی متن الف در آفرینش متن ب است؛ متن ب که فزون‌متن (hypertext) نامیده می‌شود، با متن الف یا پیش‌متن (hypotext) ارتباط دارد، اما نه به

شکلی که متن ب تفسیر متن الف باشد (Genette, 1997:5). متن الف منبع الهام و سرچشمه خواهد بود و متن ب با الهام از پیش‌متن، آفریده می‌شود. ژنت رابطه فزون‌متنیّت را به دو شیوه تقلید (imitation) و دگرگونی (transformation) دسته‌بندی کرده‌است. در فزون‌متنیّت تقلیدی، نویسنده پیش‌متن، در تلاش است تا پیش‌متن حفظ شود، اما در وضعیتی جدید. در دگرگونی، پیش‌متن دچار تغییر و دگرگونی می‌شود. روابط تقلید و دگرگونی در سه حالت (mood) تفنّن (playful)، هجو (satirical) و جدّی (serious) ایجاد می‌شوند (ibid:28).

دگرگونی متون برای آفرینش اثر جدید، گشتار (transformation) نامیده می‌شود. گشتار به دو نوع گشتار کمی (quantitative transformation) و گشتار کاربردی (pragmatic transformation) تقسیم می‌شود. تغییر در حجم پیش‌متن (افزایش یا کاهش) گشتار کمی است (ibid: 309). کاهش یک متن خود به سه شکل صورت می‌پذیرد: ۱- برش (excision) که نویسنده پیش‌متن، بخشی از پیش‌متن را به شیوه جراحی حذف می‌کند. برش در مضمون و محتوا صورت می‌گیرد (2). (ibid: 229). تراش (concision) که نویسنده بخشی از متن را برای زیباتر شدن حذف می‌کند. این روش برای مقاصد زیباشناختی و سبکی انجام می‌پذیرد (3). (ibid: 234) -تخلیص (digest) که دو شیوه برش و تراش در آن همزمان به کار گرفته می‌شوند. افزایش یک متن نیز به سه شکل انبساط (extension)، گسترش (expansion) و فزون‌سازی (amplification) دیده می‌شود (ibid: 254-262). در انبساط، نویسنده پیش‌متن، مضمون، محتوا و رویدادی را به پیش‌متن می‌افزاید. در گسترش با افزایش سبکی با رویکرد زیبایی‌شناختی روبرو هستیم. اعمال همزمان انبساط و گسترش نیز گشتار فزون‌سازی را رقم می‌زند.

گشتار کاربردی شامل تغییر در بسیاری از وقایع و مضامین اصلی پیش‌متن است. این گشتار نیز به انواع گشتار ارزش (transvaluation)، انگیزه (Transmotivation) و کیفی (Transmodalization) قابل تقسیم است (ibid: 324-330).

در پژوهش حاضر، با روش مقایسه تحلیلی، ابتدا هر دو روایت در حدّ پیرفت^۳ و گزاره^۴ تجزیه خواهد شد. پیرفت واحد پایه روایت است که با تلفیق آن، داستان ایجاد می‌شود

^۳ - sequence

^۴ - proposition

(اسکولز، ۱۳۷۹: ۱۴۰). از نظر بارت^۶ (۱۹۸۰-۱۹۱۵)، زبان‌شناس فرانسوی، تداوم منطقی نقش ویژه‌ها پیرفت را تشکیل می‌دهد که با هم مناسبتی درونی و مستحکم دارند (احمدی، ۱۳۷۰: ۲۳۲). کوچک‌ترین واحد پایه یک روایت را گزاره می‌نامند. پراپ^۷ از واژه خویشکاری استفاده می‌کند (۵۳: ۱۳۶۸) و اسکولز از اصطلاح کارکرد بهره می‌برد (۱۱۰: ۱۳۷۹). گزاره یک کنش (Action) یا عمل داستانی است که در قالب یک جمله یا عبارت بیان می‌شود. برای آنکه بعد معنایی گزاره‌ها، تفاوت‌ها و شباهت‌های معنایی گزاره‌ها از روایتی به روایت دیگر آشکارتر شود، همه گزاره‌ها رمزگان‌گذاری خواهد شد. برای این کار از با حروف اختصاری داخل استفاده خواهد شد:

رمزگان کنشی (Active = A)، رمزگان کنش روان شناختی (Psychological Act = AP)، رمزگان کنش گفتگویی (Dialogue Act = AD)، رمزگان پند (Maxim = Ma)، رمزگان اطلاعاتی (Informative = I)، رمزگان نامگذاری (Entitle = E) (بامشکی، ۱۳۹۱: ۴۱۵ و ۴۱۶).

پیرفت بندی روایت

روایت تاریخ طبری

۱- آرایش سپاه امام حسین ۲- آرایش سپاه عمر بن سعد ۳- شرایط روحی یاران امام ۴- دعای امام ۵- گفتگوی امام و شمر ۶- گفتگوی امام با سپاه عمر سعد ۷- گفتگوی زهیر بن قین با یاران امام ۸- گفتگوی حر با عمر سعد ۹- پیوستن حر به سپاه امام ۱۰- گفتگوی حر با سپاهیان عمر سعد ۱۱- آغاز نبرد با پرتاب تیر عمر سعد ۱۲- پیوستن عبدالله عمیر کلبی به امام ۱۳- نبرد عبدالله بن عمیر کلبی ۱۴- حمله عمرو بن حجاج به سپاه امام ۱۵- مرگ عبدالله بن حوزه ۱۶- گفتگوی بریر با یزید بن معقل ۱۷- نبرد بریر با یزید بن معقل ۱۸- شهادت بریر ۱۹- سرزنش قاتل بریر ۲۰- شهادت عمرو بن قرظه ۲۱- نبرد حر ۲۲- نبرد نافع بن هلال ۲۳- گفتگوی عمرو بن حجاج با سپاهیان عمر ۲۴- گفتگوی عمرو بن حجاج با سپاهیان امام ۲۵- شهادت مسلم بن عوسجه ۲۶- گفتگوی مسلم و حبیب ۲۷- گفتگوی یاران عمرو بن حجاج درباره شهادت مسلم ۲۸- حمله شمر

- Scholes^۵

- Roland Barthes^۱

- Vladimir Propp^۷

به سپاه امام ۲۹-گفتگوی سپاهیان عمر سعد ۳۰-گسیل تیراندازان به سمت سپاه امام ۳۱-روایت ایوب بن مشرَح از شهادت حر ۳۲-حمله به خیام امام ۳۳-شهادت همسر عبدالله بن عمیر کلبی ۳۴-حمله شمر به خیام امام ۳۵-گفتگوی ابوتمامه با امام ۳۶-شهادت حبیب ۳۷-گفتگوی قاسم بن حبیب با حامل سر حبیب ۳۸-نبرد یاران امام ۳۹-نبرد یاران امام پس از نماز ظهر ۴۰-نبرد نافع بن هلال ۴۱-رجزخوانی شمر ۴۲-نبرد پسران عزره. ۴۳-نبرد پسران سریع ۴۴-شهادت حنظله ۴۵-شهادت دو جوان جابری ۴۶-شهادت شوذب ۴۷-شهادت عباس ۴۸-نبرد ضحاک بن عبدالله ۴۹-شهادت ابوالشعثا ۵۰-شهادت چند تن از یاران امام ۵۱-شهادت علی اکبر ۵۲-شهادت چند تن از اهل بیت ۵۳-شهادت قاسم ۵۴-حمله مالک بن نسیر به امام ۵۵-شهادت عبدالله بن حسین ۵۶-شهادت برادران عباس ۵۷-شهادت پسری از خاندان امام ۵۸-اصابت تیر به دهان امام ۵۹-یورش شمر به خیام امام ۶۰-شهادت عبدالله بن حسن ۶۱-نفرین امام ۶۲-عاقبت بحر بن کعب ۶۳-اجتناب عبدالله بن عمار از کشتن امام ۶۴-حمله امام سپاه عمر به امام ۶۵-خروج زینب از خیام ۶۶-گفتگوی امام با سپاه عمر ۶۷-شهادت امام ۶۸-غارت لباس‌های امام ۶۹-شهادت سوید بن عمرو ۷۰-حمله به خیمه امام سجاد ۷۱-رجزخوانی سنان بن انس ۷۲-زنده ماندن چند تن از یاران امام ۷۳-تازش اسب بر پیکر امام ۷۴-گزارش تعداد کشتگان

روایت الفتوح ابن اعثم

۱-رؤیای امام حسین ۲-گفتگوی بریر با سپاهیان عمرو بن سعد ۳-پرتاب تیر ۴-آغاز نبرد و سخن امام با سپاهیان یزید ۵-پیوستن حرّ به سپاه امام ۶-نبرد حرّ ۷-نبرد بریر بن خضیر ۸-نبرد وهب بن عبدالله ۹-نبرد عمرو بن خالد ۱۰-نبرد خالد بن عمرو ۱۱-نبرد شعبه بن حنظله ۱۲-نبرد عمرو بن عبدالله ۱۳-نبرد مسلم بن عوسجه ۱۴-نبرد عبدالرحمن بن عبدالله ۱۵-نبرد یحیی بن سلیم ۱۶-نبرد قره بن ابی قره ۱۷-نبرد مالک بن انس ۱۸-نبرد عمرو بن مطاع ۱۹-نبرد حبیب بن مظاهر ۲۰-نبرد حوی مولى ۲۱-نبرد انیس بن معقل ۲۲-نبرد یزید بن زیاد ۲۳-نبرد حجاج بن مسروق ۲۴-نبرد سعید بن عبدالله ۲۵-نبرد زهیر بن قین ۲۶-نبرد هلال بن رافع ۲۷-نبرد جناده بن حارث ۲۸-نبرد عمرو بن جناده ۲۹-نبرد عبدالله بن مسلم بن عقیل ۳۰-نبرد جعفر بن عقیل ۳۱-نبرد محمد بن عبدالله ۳۲-نبرد عون بن عبدالله ۳۳-نبرد عبدالله بن حسن ۳۴-نبرد ابوبکر بن علی ۳۵-نبرد عمر بن علی ۳۶-شهادت عثمان بن علی ۳۷-شهادت جعفر بن علی ۳۸-شهادت عبدالله بن علی ۳۹-شهادت عباس بن علی ۴۰-شهادت علی بن الحسین ۴۱-

شهادت طفل شیرخواره امام ۴۲-گفتگوی امام با سپاه عمر ۴۳-نبرد امام ۴۴-تعرض سپاهیان عمر به حرم امام ۴۵-تشنگی امام ۴۶-حمله امام و گفتگو با سپاه عمرو ۴۷-حمله سپاه عمرو به امام ۴۸-شهادت امام

روایت مناقب ابن شهر آشوب

پیرفت‌های قرمز رنگ، نشان‌دهنده اشتراک متنی با روایت تاریخ طبری، رنگ سبز نشان‌دهنده اشتراک با روایت الفتوح ابن اعثم است. پیرفت‌های سیاه‌رنگ نیز بخشی از روایت ابن شهر آشوب است که افتراق متنی با روایت طبری و ابن اعثم دارد:

۱- اشعار امام حسین در صبح عاشورا ۲- حفر خندق به دستور امام حسین ۳- پیوستن حر به امام ۴- گفتگوی بریر با سپاه عمر سعد ۵- گفتگوی امام با سپاه عمر سعد ۶- پرتاب تیر توسط عمر سعد ۷- آرایش سپاه امام ۸- نبرد حر ۹- نبرد بریر ۱۰- نبرد وهب بن عبدالله ۱۰- نبرد عمرو بن خالد ۱۱- نبرد خالد بن عمرو ۱۲- نبرد سعد بن حنظله ۱۳- نبرد عمیر بن عبدالله مذحجی ۱۴- نبرد مسلم بن عوسجه ۱۵- نبرد عبدالرحمن بن عبدالله ۱۶- نبرد یحیی بن سلیم ۱۷- نبرد قره بن غفاری ۱۸- نبرد عمرو بن مطاع ۱۹- نبرد جوبین بن ابی مالک ۲۰- نبرد انیس بن معقل ۲۱- نبرد یزید بن مهاصر ۲۲- نبرد حجاج بن مسروق ۲۳- نبرد سعید بن عبدالله ۲۴- نبرد حبیب بن مظاهر ۲۵- اقامه نماز ظهر ۲۶- نبرد زهیر بن قین ۲۷- نبرد نافع بن هلال ۲۸- نبرد جناده بن حارث و فرزندش ۲۹- نبرد یک جوان ۳۰- نبرد غلام حر ۳۱- نبرد مالک بن دودان ۳۲- نبرد ابو ثمامه صائدی ۳۳- نبرد ابراهیم بن حصین ۳۴- نبرد عمرو بن قرظ ۳۵- نبرد احمد بن محمد ۳۶- نبرد عبدالله بن مسلم ۳۷- نبرد جعفر بن عقیل ۳۸- نبرد عبدالرحمن بن عقیل ۳۹- نبرد محمد بن عبدالله ۴۰- نبرد عون بن عبدالله ۴۱- نبرد تنی چند از یاران امام ۴۲- نبرد عبدالله بن حسن ۴۳- نبرد قاسم بن حسن ۴۴- نبرد ابوبکر بن علی ۴۵- نبرد عمر بن علی ۴۶- نبرد عثمان بن علی ۴۷- نبرد جعفر بن علی ۴۸- نبرد عبدالله بن علی ۴۹- نبرد عباس بن علی ۵۰- نبرد قاسم بن حسین ۵۱- نبرد علی اکبر ۵۲- شهادت علی اصغر ۵۳- وداع امام ۵۴- گفتگوی امام با سپاه عمرو سعد ۵۵- نبرد امام ۵۶- دستور عمرو سعد برای حمله به امام ۵۷- دستور شمر برای حمله به امام ۵۸- شهادت امام ۵۹- غارت لباس‌های امام

مقایسه و تحلیل روایت

تاریخ طبری	الفتوح	مناقب	پیرفتها
قال ابو مخنف حدثني الحارث بن كعب و أبو الضحاک عن علی بن الحسین بن علی ۱- قال انی جالسٌ فی تلك العشیة التي قتل أبي صبيحتها و عمتي زينب عندي تمرصني ... و أبي يقول يادهر AD-A ۲- قال فأعادها مرتين أو ثلاثا AD-A ۳- فأما عمتي فأنها سمعت ما سمعت و هي امرأة.. AD-A ۴- فقالت وانكلاه ليت الموت أعدمني الحياة.. AD ۵- قال يا أخية لا يذهبن حلمك الشيطان AD ۶- قالت يا ابا عبد الله.. AD ۷- قال لو ترك القطا لنام AD ۸- قالت يا ويلتي أفتغصب نفسك اغتصاباً فذلك أفرح لقلبي.. AD ۹- فقام إليها الحسين و.. A ۱۰- قال لها.. AD	۱- قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ إِنِّي لَجَالِسٌ فِي تِلْكَ اللَّيْلَةِ الَّتِي قُتِلَ أَبِي فِي صَبِيحَتِهَا وَ كَانَ يَقُولُ يَا دَهْرٌ.. AD-A ۲- قَالَتْ زَيْنَبُ كَأَنَّكَ تُخْبِرُ أَنَّكَ تُغْصِبُ نَفْسَكَ اغْتِصَاباً AD ۳- فَقَالَ لَوْ تَرِكَ الْقَطَا لِيَلَّا لَنَامَ AD ۴- قَالَتْ يَا أبا عَبْدِ اللَّهِ.. AD ۵- قَالَتْ يَا وَيْلَتِي أَفَتُغْصِبُ نَفْسَكَ اغْتِصَاباً فَذَلِكَ أَفْرَحُ لِقَلْبِي.. AD ۶- فَقَامَ إِلَيْهَا الْحُسَيْنُ وَ.. A ۷- قَالَتْ لَهَا.. AD	۱- اشعار امام حسين در صبح عاشورا	

<p>۱-خرج ألی اصحابه^A ۲-امرهم أن یقربوا بعض بیوتهم من بعض و أن یدخلوا الأطناب بعضها فی بعض و...^{AD} ۳- أمر بحطب و قصب کان من وراء البیوت یحرق بالنار...^{AD} ۴- کان الحسین علیه السلام أتى بقصب و حطب إلى مکان...^A ۵- فحفروه فی ساعه من اللیل فجعلوه كالخندق ثم ألقوا فیہ ذلك الحطب و القصب^A ۶- و قالوا إذا عدوا علينا...^{AD}</p>		<p>۱-فَلَمَّا أُصْبِحُوا عَبَا الْحُسَيْنُ أَصْحَابَهُ وَ أَمَرَ بِأَطْنَابِ الْبُيُوتِ^A ۲-فَقُرَّبَتْ حَتَّى دَخَلَ بَعْضُهَا فِي بَعْضٍ وَ جَعَلُوهَا وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ لِيَكُونَ الْحَرْبُ مِنْ وَجْهِ وَاحِدٍ^A ۳-أَمَرَ بِحَطَبٍ وَ قَصَبٍ كَانُوا جَمَعُوهُ وَرَاءَ الْبُيُوتِ فَطَرَحَ ذَلِكَ فِي خَنْدَقٍ جَعَلُوهُ وَ أَلْقَوْا فِيهِ النَّارَ ۴-وَ قَالَ لَا تُؤْتِي مِنْ وَرَائِنَا^{AD}</p>	<p>۲-حفر خندق به دستور امام حسین</p>
		<p>۱-فَحَرَكَ الْحَرُّ دَابَّتَهُ حَتَّى اسْتَأْمَنَ إِلَى الْحُسَيْنِ^A ۲- قَالَ لَهُ يَا بِي أَنْتَ وَ أُمِّي..^{AD} ۳-قَالَ نَعَمْ يَتُوبُ اللَّهُ عَلَيْكَ..^{AD}</p>	<p>۳-پیوستن حر به امام</p>
<p>۱-و أصبح الحسین و...^A ۲-ثم قرب...^A ۳-فاستوى عليه و...^A ۴-فقال له الحسین^{AD} ۵-فتقدم بریر...^A ۶-القوم على بكرة...^A</p>		<p>۱-قَالَ الْحُسَيْنُ لِبُرَيْرٍ احْتَجَّ عَلَيْهِمْ^{AD} ۲-فَتَقَدَّمَ إِلَيْهِمْ وَ وَعَظَهُمْ^{AD} ۳-فَضَحِكُوا مِنْهُ وَ رَشَقُوهُ^A</p>	<p>۴- گفتگوی بریر با سپاه عمر سعد</p>

<p>٧-فقال لهم برير: AD ... ٨-قالوا: AD ٩-قال برير بن حضير... AD ١٠-انسينم كتبكم اليه AD ١١- حلتهم بينهم و بين الماء AD ١٢-فبئس ما AD ١٣-ويلكم... AD</p>		<p>١-فَتَقَدَّمَ الْحُسَيْنُ وَ رَأَى صُفُوفَهُمْ كَالسَّيْلِ وَاللَّيْلِ^A ٢-فَخَطَبَ فَقَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي... AD</p>	<p>٥-گفتگوی امام با سپاه عمر سعد</p>
<p>١-تقدم عمر بن سعد ...^A ٢-استخرج سهماً ...^A ٣-قال: AD ٤-وقع السهم بين يدي الحسين^A ٥-تنحى عنه راجعاً الى ورائه^A ٦-أقبلت السهام كأنها المطر^I ٧-قال الحسين لأصحابه: ... AD</p>		<p>١-فَتَقَدَّمَ عُمَرُ بْنُ سَعْدٍ^A ٢-قَالَ يَا أَهْلَ الْعِرَاقِ اشْهَدُوا أَنِّي أَوْلُ رَامٍ فَرَشَقُوا كَالسَّيْلِ^{AD} ٣-فَقَالَ الْحُسَيْنُ هِيَ رُسُلُ الْقَوْمِ إِلَيْكُمْ فَقَوْمُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ إِلَيَّ الْمَوْتِ الَّذِي نَأْبُدُ مِنْهُ^{AD}</p>	<p>٦-پرتاب تیر توسط عمر سعد</p>
<p>١-فجعل زهير بن القين في يمينه أصحابه و حبيب بن مظاهر في ميسره أصحابه و</p>		<p>١-فَجَعَلَ زُهَيْرُ بْنُ الْقَيْنِ عَلَى الْيَمِينَةِ وَ حَبِيبُ بْنُ مَظَاهِرٍ فِي الْمَيْسِرَةِ وَ أَعْطَى رَأْيَتَهُ الْعَبَّاسَ</p>	<p>٧-آرایش سپاه امام</p>

<p>أعطى رايته العباس بن علي أخاه^A</p>		<p>بْنِ عَلِيٍّ ع^A ٢- وَكَانَ كُلُّ مَنْ أَرَادَ الْخُرُوجَ وَدَعَ الْحُسَيْنَ وَ...^{AD} ٣- فَيُجِيبُهُ وَ عَلَيْكَ السَّلَامُ.. ^{AD}</p>	
	<p>١-اول من تقدم الى قتال القوم ...^I ٢-و هو يقول:....^{AD} ٣-حمل^{AD} ٤-لميزل يقاتل حتى عرق فرسه فبقى راجلاً^A ٥-جعل يقاتل و هو يقول: ان تنكروني فانا بن الحر^{AD} ٦-لم يزل يقاتل حتى قتل^A ٧-احتمله أصحاب الحسين حتى ...^{A-I} ٨-فجعل يمسح وجهه الحسين^A ٩-يقول:^{AD} ١٠-ثم جعل رجلاً من اصحاب الحسين يقول:^{AD}</p>	<p>١-بَرَزَ الْحَرُّ وَ هُوَ يَرْتَجِزُ...^{AD}</p>	<p>٨-نبرد حر</p>
	<p>١-برز من بعده برير بن الهمداني^A ٢-و هو يقول: ^{AD}..... ٣-حمل فقاتل قتالاً</p>	<p>١-لَمَّا بَرَزَ بَرِيرُ بْنُ خَضِيرٍ الْهُمْدَانِيَّ^A ٢-وَ هُوَ يَقُولُ....</p>	<p>٩-نبرد برير</p>

<p>شديداً^{AD}</p> <p>٤- و هو يقول:.... AD</p> <p>٥- حمل رجل من اصحاب عبيدالله بن زياد^A ٦- يقال له بجير بن اوس الضبي^E</p> <p>٧- فقتله^A</p> <p>٨- جال في الصفيين و جعل يقول:....^{AD}</p> <p>٩- ذكر بعد ذلك ان بريراً كان من عباد الله الصالحين^{AD}</p> <p>١٠- جاءه ابن عم له يقال له عبيدالله بن جابر^{A-E}</p> <p>١١- قال له: ...^{AD}</p> <p>١٢- فندم حين لم ينفعه الندم^{AP}</p> <p>١٣- أنشأ يقول:..^{AD}</p>			
<p>١- سخرج وهب بن عبدالله بن عمير الكلبي^A</p> <p>٢- قد كانت معه امه^I.</p> <p>٣- قالت له امه قم يا...^{AD}</p> <p>٤- قال افعل ذلك يا امه^{AD}</p> <p>٥- سخرج الى القوم و</p>		<p>١- برز وهب بن عبد الله الكلبي^A</p> <p>٢- و هو يرتجز ان تنكروني...^{AD}</p> <p>٢- فلم يزل يقاتل حتى قتل منهم جماعة^A</p> <p>٣- ثم قال لامه يا امه ارضيت ام لا^{AD}</p> <p>٤- فقالت ما ارضى او تقتل بين يدي الحسين^{AD}</p>	<p>١٠- نبرد وهب بن عبدالله</p>

<p>هو يقول إن تُنْكِرُونِي..^{AD}</p> <p>٦-حمل و لم يزل يقتل حتى قتل منهم جماعه^A</p> <p>٧-رجع الى امه و امراته^A</p> <p>٨-قال: ارضيت ام ^{AD}y</p> <p>٩-قالت امه لا مارضيت حتى تقتل بين يدي مولاك الحسين^{AD}</p> <p>١٠-قالت له المرأة اسألک بالله أن لا تفجعني في نفسك^{AD}</p> <p>١١-قالت له أمه لا تقبل قولها وارجع و...^{AD}</p> <p>١٢-قام وهب بن عبدالله و هو يقول أني زعيم..^{AD}</p> <p>١٣-حمل و لم يزل يقاتل حتى قطعت يمينه^A</p> <p>١٤-ثم قاتل حتى قطعت شماله^A</p> <p>١٥-ثم قتل رحمه الله^A</p>	<p>٥-فَرَجَعَ قَائِلًا إِنِّي زَعِيمٌ لَكَ...^{AD}</p> <p>٦-فَلَمْ يَزَلْ يُقَاتِلُ حَتَّى قَتَلَ تِسْعَةَ عَشَرَ فَارِسًا وَ اثْنَيْ عَشَرَ رَاجِلًا^A</p> <p>٧- ثُمَّ قُطِعَتْ يَمِينُهُ وَ أُخِذَ أَسِيرًا^A</p>	<p>١١-نبرد عمرو بن</p>
<p>١-برز من بعده</p>	<p>١-ثُمَّ بَرَزَ عَمْرُو بْنُ خَالِدٍ</p>	<p>١١-نبرد عمرو بن</p>

خالد	الأزديُّ قاتلاً اليوم يا نفسُ AD...	عمرو بن خالد الزدي و هو يقول: AD... ٢- حمل فقاتل حتى قتل ^A
١٢- نبرد خالد بن عمرو	١- لئنم برز ابنه خالد و هو يقول .. AD	١- تقدم من بعده ابنه خالد و هو يقول ... AD
١٣- نبرد سعد بن حنظله	١- برز ابن حنظله التميمي مرتجزاً صبراً على .. AD	١- ثم تقدم من بعده ابن حنظله التميمي و هو يقول صبراً على .. AD
١٤- نبرد عمير بن عبدالله مذحجي	١- ثم برز عمير بن عبدالله المذحجي قاتلاً قد علمت AD..	١- اخرج من بعده آخر يقال له عمرو بن عبدالله المذحجي ^{A-E} ٢- هو يرتجز و يقول قد علمت AD.. ٣- حمل و قاتل حتى قتل ^A
١٥- نبرد مسلم بن عوسجه	١- ثم برز مسلم بن عوسجه مرتجزاً AD... ٢- فقاتل حتى قتله مسلم الضبابي و عبد الرحمن البيجلي ^A	١- تقدم مسلم بن عوسجه الاسدي و هو يقول: AD.. ٢- حمل فقاتل قتالاً شديداً حتى قتل ^A
١٦- نبرد عبدالرحمن بن عبدالله	١- ثم برز عبد الرحمن بن عبدالله اليزني قاتلاً أنا .. AD	١- اخرج من بعده عبدالرحمن بن عبدالله اليزني و هو يقول AD

	۳-حمل فقاتل حتی قتل ^A		
۱۷-نبرد یحیی بن سلیم	۱-خروج من بعده یحیی بن سلیم المازنی و هو یقول AD ... ۴-حمل فقاتل حتی قتل ^A	۱-بِرَزَّ يَحْيَىٰ بِنُ سَلِيمِ الْمَازِنِيِّ وَ هُوَ يَقُولُ ... AD ۲-فَقَتَلَ ثَمَانِيَةَ وَ سِتِّينَ رَجُلًا. AD	
۱۸-نبرد قره بن غفاری	۱-خروج من بعده قره بن ابی قره الغفاری و هو یقول.. AD ۲-حمل فقاتل حتی قتل ^A	۱-بِرَزَّ قُرَّةُ بْنُ أَبِي قُرَّةَ الْغَفَّارِيُّ وَ هُوَ يَرْتَجِزُ.. AD ۲-فَقَتَلَ ثَمَانِيَةَ وَ سِتِّينَ رَجُلًا. AD	
۱۹-نبرد مالک بن انس	۱-خروج من بعده مالک بن انس الباهلی و هو یرتجز و یقول قد علمت مالک وذودان... AD ۲-حمل فقاتل حتی قتل ^A	۱-بِرَزَّ مَالِكُ بْنُ أَنَسٍ الْكَاهِلِيُّ وَ قَالَ ... AD	
۲۰-نبرد عمرو بن مطاع	۱-خروج من بعده عمرو بن مطاع الجعفی و هو یقول انا بن جعف و ابی مطاع AD ۲-حمل فقاتل حتی قتل ^A	۱-بِرَزَّ عَمْرُو بْنُ مَطَّاعِ الْجُعْفِيِّ ^A ۲-قَالَ ... AD	
۲۱-نبرد جوین بن ابی مالک	۱-خروج من بعده حوی مولى ابی ذر	۱-بِرَزَّ جُوَيْنُ بْنُ أَبِي مَالِكٍ مَوْلَىٰ أَبِي ذَرٍّ مَرْتَجِزًا... AD	

	<p>٢-فَقَتَلَ خَمْسًا وَ عَشْرِينَ رَجُلًا^A</p> <p>الغفاری^{A-E}</p> <p>٢-کان اسود^١</p> <p>٣-جعل يرتجز و يقول..^{AD}</p> <p>٤-حمل فلم يزل يقاتل حتى قتل^A</p>	
٢٢-نبرد انیس بن معقل	<p>١-بَرَزَ أَنِيسُ بْنُ مَعْقِلٍ الْأَصْبَحِيُّ وَ هُوَ يَقُولُ...^{AD}</p> <p>٢-فَقَتَلَ نَيْفًا وَ عَشْرِينَ رَجُلًا^A</p> <p>١-خروج من بعده أنیس بن معقل الاصبحی و هو يرتجز و يقول..^{AD}</p> <p>٢-حمل فلم يزل يقاتل حتى قتل^A</p>	
٢٣-نبرد یزید بن مهاصر	<p>١-بَرَزَ يَزِيدُ بْنُ الْمَهَاصِرِ الْجَعْفِيُّ مُرْتَجِزًا...^{AD}</p> <p>٢-حمل فقاتل حتى قتل^A</p> <p>١-خروج من بعده یزید بن المهاصر الجعفی و هو يقول ..^{AD}</p> <p>٢-حمل فقاتل حتى قتل^A</p>	
٢٤-نبرد حجاج بن مسروق	<p>١-بَرَزَ الْحَجَّاجُ بْنُ مَسْرُوقٍ الْجَعْفِيُّ وَ هُوَ يَقُولُ...^{AD}</p> <p>٢-فَقَتَلَ خَمْسًا وَ عَشْرِينَ رَجُلًا^A</p> <p>١-خروج من بعده الحجاج بن مسروق و هو يقول..^{AD}</p> <p>٢-حمل فقاتل حتى قتل^A</p>	
٢٥-نبرد سعید بن عبدالله	<p>١-بَرَزَ سَعِيدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْحَنْفِيُّ مُرْتَجِزًا...^{AD}</p> <p>٢-حمل فقاتل حتى قتل^A</p> <p>١-خروج من بعده سعید بن عبدالله الحنفی و هو يقول..^{AD}</p> <p>٢-حمل فقاتل حتى قتل^A</p>	
٢٦-نبرد حبیب بن مظاهر	<p>١-بَرَزَ حَبِيبُ بْنُ مُظَاهِرٍ الْأَسَدِيُّ قَاتِلًا...^١</p> <p>١-فحمل عليه رجل من بني تمیم^A ٢-فضربه بالسيف على حبيب بن مظاهر</p> <p>خروج من بعده حبيب بن مظاهر</p>	

<p>رأسه فقتله^A</p> <p>٣- و كان يقال له بديل بن ..^E</p> <p>٤- و حمل عليه آخر من بني تميم فطعنه ...^A</p> <p>٥- فضربه الحسين بن تميم على رأسه بالسيف فوق و نزل إليه التميمي^A</p> <p>٦- فاحتز رأسه فقال له الحسين ...^{AD}</p>	<p>الاسدى و هو يرتجز و يقول أنا حبيب و أبى مظاهر</p> <p>٢- حمل فلم يزل يقاتل حتى قتب</p>	<p>٢- فقتل اثنين و ستين رجلاً^A</p> <p>٣- قتله الحسين بن نمير و علق رأسه في عنق فرسه^A</p>	
<p>ثم صلوا الظهر صلى بهم الحسين صلاة الخوف^A</p>		<p>ثم صلى الحسين ع بهم الظهر صلاة شدة الخوف^A</p>	<p>٢٧- اقامه نماز ظهر</p>
<p>١- قاتل زهير بن القين قتالا شديدا^A</p> <p>٢- و أخذ يقول...^{AD}</p> <p>٣- فشد عليه كثير بن عبدالله الشعبي و مهاجر بن أوس فقتلاه^A</p>	<p>١- اخرج من بعده زهير بن القين البجلي و هو يرتجز و يقول...^{AD}</p> <p>٢- حمل و لم يزل يقاتل حتى قتل^A</p>	<p>١- برز زهير بن القين البجلي و هو يقول...^{AD}</p> <p>٢- فقتل مائة و عشرين رجلاً^A</p> <p>٣- قتله كثير بن عبد الله الشعبي و مهاجر بن أوس^A</p>	<p>٢٨- نبرد زهير بن قين</p>
<p>١- كان نافع بن هلال الجملي قد كتب اسمه على أفواق نبله I-E</p> <p>٢- فجعل يرمى بها مسومه و هو يقول...^{AD}</p> <p>٣- فقتل اثني عشر من أصحاب عمر بن سعد سوى من جرح^A</p> <p>٤- فضرب حتى كسرت عضده^A</p> <p>٥- أخذ أسيرا فأخذه شمر بن ذى الجوشن و...^A</p> <p>٦- فقال له عمر بن سعد ويحك يا نافع...^{AD}</p> <p>٧- قال إن ربي يعلم...^{AD}</p>		<p>١- برز نافع بن هلال البجلي قائلاً...^{AD}</p> <p>٢- فقتل اثني عشر رجلاً و روى سبعين رجلاً^A</p>	<p>٢٩- نبرد نافع بن هلال</p>

<p>۸-فقال له شمر أقتله أصلحك الله^{AD}</p> <p>۹- قال أنت جئت به فإن شئت AD</p> <p>۱۰-فاقتله فاتضى شمر سيفه^{AD}</p> <p>۱۱-فقال له نافع أما والله...^{AD}</p> <p>۱۲- فقتله^A</p>			
<p>۱-خرج من بعده جناده بن الحارث النصاري و هو يقول...^{AD}</p> <p>۲-حمل فلم يزل يقاتل حتى قتل..^A</p> <p>۳-خرج من بعده ابنه عمرو بن جناده و هو يقول..^{AD}</p>		<p>۱-بَرَزَ جُنَادَةُ بْنُ الْحَارِثِ النُّصَارِيُّ مَرْتَجِزًا...^{AD}</p> <p>۲-فَقَتَلَ سِتَّةَ عَشَرَ رَجُلًا^A</p> <p>۳-ثُمَّ بَرَزَ ابْنُهُ وَ اسْتَشْهَدَ^A</p>	<p>۳۰-نبرد جناده بن حارث و فرزندش</p>
		<p>۱- بَرَزَ فَتَى قَائِلًا^{AD}</p> <p>۲-فَقَاتَلَ حَتَّى قُتِلَ^A</p> <p>۳-رُمِيَ بِرَأْسِهِ إِلَى أُمِّهِ^A</p> <p>۴-فَأَخَذَتْهُ وَ رَمَتْهُ إِلَى رَجُلٍ قَتَلَهُ^A</p> <p>۵-ثُمَّ بَرَزَتْ قَائِلَةً...^{AD}</p>	<p>۳۱-نبرد یک جوان</p>
		<p>۱-رَوَى أَنَّهُ بَرَزَ غَلَامٌ تُرْكِيُّ لِلْحَرِّ وَ جَعَلَ يَقُولُ ..^{AD}</p> <p>۲-فَقَتَلَ سَبْعِينَ رَجُلًا^A</p>	<p>۳۲-نبرد غلام حر</p>
		<p>۱-بَرَزَ مَالِكُ بْنُ دُودَانَ وَ أَنشَأَ يَقُولُ..^{AD}</p>	<p>۳۳-نبرد مالک بن دودان</p>
		<p>۱-بَرَزَ أَبُو ثُمَامَةَ الصَّانِدِيُّ وَ قَالَ..^{AD}</p>	<p>۳۴-نبرد ابو ثمامه صاندى</p>
		<p>۱-بَرَزَ إِبْرَاهِيمُ بْنُ الْحَصِينِ</p>	<p>۳۵-نبرد ابراهيم بن</p>

<p>١-خرج عمرو بن قرظۀ الأنصاری یقاتل دون حسین^A</p> <p>٢- و هو یقول...^{AD}</p> <p>٣-قال أبو مخنف عن ثابت بن هبیره فقتل عمرو بن قرظۀ بن کعب و..^{A-E}</p> <p>٤-فنادی علی بن قریظۀ یا حسین یا کذاب ابن الکذاب أضللت أخی و غررتہ حتی قتلته^{AD}</p> <p>٥- قال إن الله...^{AD}</p> <p>٦-قال قتلنی الله إن لم أقتلک أو أموت دونک^{AD}</p> <p>٧-فحمل علیه فاعترضه نافع بن هلال المرادی..^A</p>		<p>الأسدی یرتجز...^{AD}</p> <p>١-قال أبو مخنف و برز عمرو بن قرظۀ الأنصاری و هو یقول...^{AD}</p>	<p>حسین</p> <p>٣٦-نبرد عمرو بن قرظ</p>
		<p>ب١-لرز أحمد بن محمد الهاشمی و هو ینشد...^{AD}</p>	<p>٣٧-نبرد احمد بن محمد</p>
<p>١-كان أول من خرج منهم عبدالله بن مسلم بن عقيل بن ابی طالب^{I-E}</p> <p>٢-و هو یقول...^{AD}</p> <p>٣-حمل فقاتل حتی قتل منهم جماعة و قتل^A</p>	<p>١-أول من برز من بنی هاشم عبد الله بن مسلم^{I-E}</p> <p>٢- و هو یقول...^{AD}</p> <p>٣-فقاتل حتى قتل ثمانیه و تسعین رجلاً بثلاث حملات^A</p> <p>٤-ثم قتلہ عمرو بن صبیح الصیداوی و أسد بن مالک^{A-E}</p>	<p>١-أول من برز من بنی هاشم عبد الله بن مسلم^{I-E}</p> <p>٢- و هو یقول...^{AD}</p> <p>٣-فقاتل حتى قتل ثمانیه و تسعین رجلاً بثلاث حملات^A</p> <p>٤-ثم قتلہ عمرو بن صبیح الصیداوی و أسد بن مالک^{A-E}</p>	<p>٣٨-نبرد عبدالله بن مسلم</p>
<p>١-خرج من بعده جعفر بن عقيل بن ابی طالب^A</p> <p>٢-و هو یقول...^{AD}</p> <p>٣-حمل فقاتل حتی</p>		<p>١-برز جعفر بن عقيل قائلًا...^{AD}</p> <p>٢-فقتل رجلین و فی قول خمسة عشر فارساً^A</p> <p>٣-قتله بشر بن سوط</p>	<p>٣٩-نبرد جعفر بن عقيل</p>

<p>٤٠-نبرد عبدالرحمن بن عقيل</p>	<p>الْهُمْدَانِيُّ A-E ١-بِرَزَّ عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنِ عَقِيلٍ وَهُوَ يَرْتَجِزُ AD ٢-فَقَتِلَ سَبْعَةَ عَشَرَ فَارِسًا A ٣-قَتَلَهُ عَثْمَانُ بْنُ خَالِدِ الْجُهَنِيِّ A-E ٢-فقاتل حتى قتل... A</p>	<p>١-خارج من بعده اخوه عبدالرحمن بن عقيل بن ابى طالب و هو يرتجز و يقول.. AD ٢-فقاتل حتى قتل... A</p>
<p>٤١-نبرد محمد بن عبدالله</p>	<p>١-بِرَزَّ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ وَهُوَ يَنْشُدُ.. AD ٢-فَقَتِلَ عَشْرَةَ أَنْفُسٍ A ٣-قَتَلَهُ عَامِرُ بْنُ نَهْشَلِ التَّمِيمِيِّ A-E</p>	<p>١-خارج من بعده أخوه محمد بن عبدالله بن جعفر بن أبى طالب و هو يقول.. AD ٢-فقاتل حتى قتل..</p>
<p>٤٢-نبرد عون بن عبدالله</p>	<p>١-بِرَزَّ أَخُوهُ عَوْنٌ قَاتِلًا.. AD ٢-فَقَتِلَ ثَلَاثَةَ فَوَارِسٍ وَتَمَانِيَةَ عَشْرٍ رَاجِلًا A ٣-قَتَلَهُ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ قُطَنَةَ الطَّائِيِّ A-E</p>	<p>١-خارج من بعده أخوه عون بن عبدالله بن جعفر بن أبى طالب و هو يقول.. AD ٢-حمل فقاتل حتى قتل A</p>
<p>٤٣-نبرد تنى چند از ياران امام</p>	<p>١-رُويَ أَنَّ عُبَيْدَ اللَّهِ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ أَخَاهُ قَتَلَهُ بَشْرُ بْنُ حُوَيْطِرِ الْقَانِصِيِّ A-E ٢-رُويَ أَنَّ عَبْدَ اللَّهِ بْنَ عَقِيلِ الْأَكْبَرَ قَاتَلَ A ٣-فَقَتَلَهُ عَثْمَانُ بْنُ خَالِدِ الْجُهَنِيِّ A-E ٤-رُويَ أَنَّهُ قَاتَلَ مُحَمَّدَ بْنَ مُسْلِمٍ A ٥-فَطَعَنَهُ أَبُو مَرْيَمَ الْأَزْدِيُّ A-E</p>	<p>١-خارج من بعده ياران امام</p>

		<p>٦-رَوَى أَنَّهُ قَاتِلٌ ..^A</p> <p>٧-فَقَتَلَهُ لَقِيَطُ بْنُ يَاسِرِ الْجُهَنِيِّ ..^{A-E}</p>	
<p>٤٤-نبرد عبدالله بن حسن</p>	<p>١-بَرَزَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَ وَهُوَ يَقُولُ ..^{AD}</p> <p>٢-فَقَتَلَ أَرْبَعَةَ عَشَرَ رَجُلًا^A</p> <p>٣-قَتَلَهُ هَانِي بْنُ شَيْبِيبِ الْحَضْرَمِيِّ^{A-E}</p> <p>٤-فَاسْوَدَّ وَجْهَهُ^I</p> <p>١-اخرج من بعده عبدالله بن حسن بن علی بن ابی طالب^A</p> <p>٢-كأن علی وجهه شفه قمر^I</p> <p>٣-عليه يومئذ قميص و ازار و فی يده سيف له حسام قاطع^I</p> <p>٤-هو يرتجز و يقول...^{AD}</p> <p>٥-قاتل حتى قتل^A</p> <p>٦-صاح الحسين: AD</p>	<p>١-بَرَزَ أَخُوهُ الْقَاسِمُ وَ^{A-I}</p> <p>٢-أَنْشَأَ يَقُولُ ..^{AD}</p> <p>٣-فَقَتَلَهُ عَمْرُ بْنُ سَعِيدِ الْأَزْدِيِّ^{A-E}</p> <p>٤-فَخَرَّ وَصَاحَ يَا عَمَاءُ^{AD}</p> <p>٥-فَحَمَلَ عَلَيْهِ الْحُسَيْنُ^A</p> <p>٦-فَوَقَفَ الْحُسَيْنُ عَلَى رَأْسِهِ^A</p> <p>٧-وَ قَالَ ...^{AD}</p>	<p>٤٥-نبرد قاسم بن حسن</p>
<p>٤٦-نبرد ابوبکر بن علی</p>	<p>١-بَرَزَ أَبُو بَكْرٍ بْنُ عَلِيٍّ قَاتِلًا ..^{AD}</p> <p>٢-فَلَمْ يَزَلْ يُقَاتِلُ حَتَّى قَتَلَهُ زَجْرُ بْنُ بَدْرِ الْجَحْفِيِّ وَ يُقَالُ عَقِبَةُ الْغَنَوِيِّ^{A-E}</p> <p>١-اول من تقدم ابوبکر بن علی و اسمه عبدالله^{I-E}</p> <p>٢-امه لیلی بنت مسعود بن خالد</p>	<p>١-بَرَزَ أَبُو بَكْرٍ بْنُ عَلِيٍّ قَاتِلًا ..^{AD}</p> <p>٢-فَلَمْ يَزَلْ يُقَاتِلُ حَتَّى قَتَلَهُ زَجْرُ بْنُ بَدْرِ الْجَحْفِيِّ وَ يُقَالُ عَقِبَةُ الْغَنَوِيِّ^{A-E}</p>	<p>٤٦-نبرد ابوبکر بن علی</p>

	<p>الربعى التميمي^I ٣-تقدم و يقول...^{AD} ٤-حمل عليه رجل من اصحاب عمرو بن سعد يقال له زحر بن بدر النجعي^{I-E} ٥-قتله^A</p>		
	<p>١-خرج من بعده أخوه عمر بن علي^A ٢-فجعل يقول...^{AD} ٣-حمل علي قاتل أخيه فقتله^A ٤-استقبل القوم...^A ٥-يقول...^{AD} ٦-حمل فلم يزل يقاتل حتى قتل^A</p>	<p>١-برز أخوه عمر و هو يرتجز^{AD} ٢-قتل زجراً قاتل أخيه ثم دخل حومة الحرب^A</p>	<p>٤٧-نبرد عمر بن علي</p>
	<p>١-خرج من بعده أخوه عثمان بن علي^{A-E} ٢-أمه أم النين بنت ...^I ٣-هو يقول...^{AD}</p>	<p>١-برز أخوه عثمان و هو ينشد...^{AD} ٢-رماه خولي بن يزيد الأصبحي على جنبه^A ٣-فسقط عن فرسه و...^A</p>	<p>٤٨-نبرد عثمان بن علي</p>
	<p>١-خرج من بعده أخوه جعفر بن علي بن ابي طالب^{A-E} ٢-أمه أم البنين بنت حزام^I ٣-جعل يرتجز و يقول...^{AD} ٤-حمل فقاتل حتى</p>	<p>١-برز أخوه جعفر منشأ...^{AD} ٢-رماه خولي الأصبحي^A ٣-فأصاب شقيقته أو عينه^I</p>	<p>٤٩-نبرد جعفر بن علي</p>

	<p>قتل^A</p>	<p>۱-بَرَزَ أَخُوهُ عَبْدُ اللَّهِ قَاتِلًا AD.. ۲- قَتَلَهُ هَانِي بْنُ شَيْبِ الْحَضْرَمِيِّ^{A-E} ۳-رَوَى أَنَّهُ خَرَجَ أَخُوهُ الْقَاسِمُ فَقَالَ..^{AD} ۴-فَضْرَبَ عَلَى رَأْسِهِ عَمْرُو بْنَ سَعِيدِ الْأَزْدِيِّ^{A-E} ۵-فَحَمَلَ عَلَيْهِ الْحُسَيْنُ وَ ضَرَبَهُ^A ۶- ثُمَّ أَتَى الْعُلَامَ وَ هُوَ ..^A ۷-فَقَالَ...^{AD}</p>	<p>۵۰-نبرد عبدالله بن علی</p>
		<p>۱-وَ كَانَ الْعَبَّاسُ السَّقَاءُ قَمَرُ بَنِي هَاشِمٍ صَاحِبِ لَوَاءِ الْحُسَيْنِ^I ۲- هُوَ أَكْبَرُ الْإِخْوَانِ^I ۳-مَضَى يَطْلُبُ الْمَاءَ^A ۴-فَحَمَلُوا عَلَيْهِ وَ حَمَلَ هُوَ عَلَيْهِمْ^A ۵- وَ جَعَلَ يَقُولُ ...^{AD} ۵-فَفَرَّقَهُمْ فَكَمَنَ ..^{A-E} ۶-فَأَخَذَ السِّيفَ شِمَالَهُ وَ حَمَلَ عَلَيْهِمْ وَ هُوَ يَقُولُ..^{AD} ۷-فَقَاتَلَ حَتَّى ضَعُفَ^A ۸- فَكَمَنَ لَهُ الْحَكِيمُ بْنُ الطُّفَيْلِ الطَّائِيُّ مِنْ وَرَاءِ تَحْلِهِ^{A-E} ۹-فَضْرَبَهُ عَلَى شِمَالِهِ^A ۱۰- فَقَالَ..^{AD} ۱۱-فَقَتَلَهُ الْمَلْعُونُ بِعَمُودٍ مِنْ</p>	<p>۵۱-نبرد عباس بن علی</p>

		<p>حَدِيد^A</p> <p>١٢- قَلَمًا رَأَى الْحُسَيْنُ مَصْرُوعًا عَلَى شَطِّ الْفُرَاتِ بَكَى وَأَنْشَأَ يَقُولُ AD-AP</p>	
		<p>١- بَرَزَ قَاسِمُ بْنُ الْحُسَيْنِ وَهُوَ يَرْتَجِزُ وَيَقُولُ... AD</p>	<p>٥٢- نبرد قاسم بن حسين</p>
	<p>١-تقدم من بعده على بن الحسين بن على^{A-E}</p> <p>٢-هو يومئذ ابن ثمانية عشر سنة^I</p> <p>٣-تقدم نحو القوم^A</p> <p>٤-رفع الحسين شيبته نحو السماء و قال: اللهم اشهد على هؤلاء القوم! AD....</p> <p>٥-صاح الحسين بعمرو بن سعد فقال: ... AD</p> <p>٦-رفع الحسين صوته وقرأ ان الله اصطفى آدم و... AD</p> <p>٧-تقدم على بن الحسين على^A</p> <p>٨-هو يقول:.... AD</p> <p>٩-حمل فلم يزل يقاتل حتى ضج اهل الشام من يده و AD ...</p> <p>١٠-رجع الى ابيه و</p>	<p>١-تقدم على بن الحسين الأكبر^{A-E}</p> <p>٢-هو ابن ثمان عشرة سنة^I ويقال ابن خمس وعشرين^I</p> <p>٣-وكان يشبه برسول الله ص خلفاً وخلفاً ونطقاً^I</p> <p>٤-وجعل يرتجز ويقول AD..</p> <p>٥-فقتل سبعين مبارزاً^A</p> <p>٦-ثم رجع إلى أبيه وقد أصابته جراحات^A</p> <p>٧-فقال يا أبت العطش^A</p> <p>٨-فقال الحسين يسفيك جدي^{AD}</p> <p>٩-فكر أيضاً عليهم وهو يقول^{AD}</p> <p>١٠-فقطعته مرة بن منقذ العبدى على ظهره غدراً^{A-E}</p> <p>١١-فصربوه بالسيف^A</p> <p>١٢-فقال الحسين على الدنيا بعدك ألعفا^{AD}</p> <p>١٣-وصمه إلى صدره وأتى به إلى باب الفسطاط^A</p> <p>١٤-فصارت أمه شهريانويه و أهل تنظر إليه ولا تتكلم^I</p>	<p>٥٣-نبرد على اكبر</p>

	<p>قد اصابتہ جراحات کثیره^A ۱۱-قال: یا ابی! العطش قد قتلنی و ثقل الحديد قدأجهدنی فهل الی شربه من الماء سبیل^{AD} ۱۳-فبکی الحسین^{AP} ۱۴-قال: یا بنی! قاتل قليلاً...^{AD} ۱۵-رجع علی بن الحسین الی الحرب^A ۱۶-قال: الحرب قد بانتم...^{AD} ۱۷-لم یزل یقاتل حتى قتل^A</p>		
<p>۱-فقی الحسین فريداً وحيداً^I ۲-ليس معه الا ابنه علی رضی الله عنه و هو يومئذ ابن سبع سنين^{I-E} ۳-له ابن آخر يقال له علی فی الرضاع^I ۳-تقدم الی باب الخيمه^A ۴-قال: ناولونی...^{AD}</p>	<p>۱- فَبَقِيَ الْحُسَيْنُ وَحِيداً^I ۲- وَ فِي حَجْرِهِ عَلِيُّ الْأَصْغَرَ^I E ۳- فَرَمَى إِلَيْهِ بِسَهْمٍ^A ۴- فَأَصَابَ حَلْقَهُ^I ۵- فَجَعَلَ الْحُسَيْنُ يَأْخُذُ الدَّمَ مِنْ نَحْرِهِ فَيَرْمِيهِ إِلَى السَّمَاءِ فَمَا يَرْجِعُ مِنْهُ شَيْءٌ^{A-I} ۶- يَقُولُ لَأَ يَكُونَ أَهْوَنَ عَلَيْكَ مِنْ فَصِيلٍ^{AD}</p>	<p>۵۴-شهادت علی اصغر</p>	

<p>۵- فناولوه الصبی^A ۶- جعل یقبله و هو یقول یا بنی...^{AD} ۷- و اذا بسهم قد أقبل حتی وقف فی لبه الصبی قتله.^I ۸- نزل الحسین عن فرسه و حفر له بطرف السیف^A ۹- رماه بدمه و صلی علیه و دفنه^A ۱۰- و ثب قائماً^A ۱۰- هو یقول: کفر القوم و قد مارغبوا/عن ثواب الله رب الثقلین...^{AD}</p>			
		<p>۱- قَالَ عِثْنُونِي بِثُوبٍ ..^{AD} ۲- فَأَتَوْهُ بِتَبَانٍ^A ۳- فَأَبَى أَنْ يَلْبَسَهُ وَقَالَ ..^{AD} ۴- ثُمَّ أَتَوْهُ بِشَيْءٍ أَوْسَعَ مِنْهُ دُونَ السَّرَاوِيلِ وَفَوْقَ التُّبَانِ^A ۵- فَلَبَسَهُ ثُمَّ وَدَعَ النِّسَاءَ^A ۶- وَكَانَتْ سَكِينَةٌ تَصْبِحُ^{AP} ۷- فَضَمَّهَا إِلَى صَدْرِهِ وَ قَالَ ..^{AD}</p>	<p>۵۵- وداع امام</p>
<p>۱- استوی الحسین علی فرسه^A ۲- تقدّم حتّى واجه القوم^A ۳- قال: یا اهل الكوفه قبحاً لكم و</p>		<p>۱- بَرَزَ عِثْنُونٌ فَقَالَ يَا أَهْلَ الْكُوفَةِ قُبْحًا لَكُمْ وَتَرَحًّا وَبُؤْسًا لَكُمْ وَتَعَسًّا ..^{AD} ۲- قَالَ ثُمَّ أَنْشَأُ كَفَرَ الْقَوْمَ وَقَدِمًا رَغِبُوا ..^{AD}</p>	<p>۵۶- گفتگوی امام با سپاه عمرو سعد</p>

	<p>ترحاً و یوساً لکم و تسعاً...AD</p> <p>۴-ثم تقدم الحسين حتى وقف قبالة القوم و سيفه مصلت في يده^A</p> <p>۵-أنشأ من نفسه عازماً على الموت و هو يقول: انا بن على الخير آل هاشم..AD</p>		
		<p>۱-ثُمَّ حَمَلَ عَلَى الْمَيْسِرَةِ^A</p> <p>۲- قَالَ أَنَا ..AD</p> <p>۳- وَ جَعَلَ يُقَاتِلُ حَتَّى قَتَلَ أَلْفًا وَ تَسْعَمَائَةَ...^A</p>	<p>۵۷-نبرد امام</p>
<p>قال أبو مخنف عن جعفر بن محمد بن علي قال وجد الحسين عليه السلام حين قتل ثلاث و ثلاثون طعنه و أربع و ثلاثون ضربه</p>		<p>۱-فَقَالَ عَمْرُ بْنُ سَعْدٍ لِقَوْمِهِ AD... ۲-فَحَمَلُوا بِالطَّعْنِ مَائَةً وَ ثَمَانِينَ...^A</p> <p>۳- قَالَ الطَّبْرِيُّ قَالَ أَبُو مَخْنَفٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ ع قَالَ وَجَدْنَا بِالْحُسَيْنِ ثَلَاثًا وَ ثَلَاثِينَ طَعْنَةً وَ أَرْبَعًا وَ ثَلَاثِينَ ضَرْبَةً^I</p> <p>۴-وَ قَالَ الْبَاقِرُ ع أُصِيبَ ع وَ وُجِدَ بِهِ ثَلَاثُمِائَةً وَ بَضْعًا وَ عَشْرِينَ طَعْنَةً بِرُمْحٍ أَوْ ضَرْبَةً بِسَيْفٍ أَوْ رَمِيَّةٍ بِسَهْمٍ^I</p> <p>۵-وَ رَوَى ثَلَاثُمِائَةً وَ سِتُونَ جِرَاحَةً^I</p> <p>۶- وَ قِيلَ ثَلَاثًا وَ ثَلَاثِينَ ضَرْبَةً</p>	<p>۵۸-دستور عمرو سعد برای حمله به امام</p>

		<p>سَوَى السَّهَامِ^I ۷- وَ قِيلَ أَلْفٌ وَ تِسْعُمَائَةٌ جِرَاحُهُ وَ كَانَتْ السَّهَامُ فِي دَرْعِهِ كَالشُّوْكِ فِي جِلْدِ الْقُنْفُذِ^I ۸- وَ رُوِيَ أَنَّهَا كَانَتْ كُفَّهَا فِي مَقْدَمِهِ^I</p>	
	<p>۱- صاح الشمر بن ذی الجوشن بأصحابه ...^{AD} ۲- فحملوا عليه من كل جانب^A ۳- أو ثقته الجراح بالسيوف^A ۴- فضربه رجل يقال له زرعته بن شريك التميمي ضربه على يده اليسرى^{A-E} ۵- ضربه عمرو بن طلحة الجعفي على حبل عاتقه من ورائه ضربه منكراً^{A-} ^E ۶- رماه سنان بن انس النخعي طعنه بسهم^{A-E} ۷- وقع السهمفي نحره^I ۸- طعنه صاحب بن وهب اليزني طعنه</p>	<p>۱- فَقَالَ شَمْرٌ ..^{AD} ۲- فَحَمَلُوا عَلَيْهِ مِنْ كُلِّ جَانِبٍ^A ۳- فَرَمَاهُ أَبُو الْحَتَّاقِ الْجُعْفِيُّ فِي جَبِينِهِ وَ الْحَصِينُ بْنُ تَمِيمٍ فِي فِيهِ وَ أَبُو أَيُّوبَ الْعَنَوِيُّ بِسَهْمٍ مَسْمُومٍ فِي حَلْقِهِ^{A-E} ۴- فَقَالَ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ وَ هَذَا قَتِيلٌ فِي رِضَا اللَّهِ^{AD} ۵- وَ كَانَ ضَرْبُهُ زُرْعَةَ بْنِ شَرِيكَ التَّمِيمِيِّ عَلَى كَتِفِهِ الْأَيْسَرِ وَ عَمْرُ بْنُ الْخَلَيْفَةِ الْجُعْفِيُّ عَلَى حَبْلِ عَاتِقِهِ^{A-E} ۶- وَ كَانَ طَعْنُهُ صَالِحُ بْنُ وَهَبٍ الْمُزَنِيِّ عَلَى جَنْبِهِ^{A-E} ۷- وَ كَانَ رَمَاهُ سَنَانُ بْنُ أَنَسٍ النَّخَعِيِّ فِي صَدْرِهِ^{A-E} ۸- فَوَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ وَ أَخَذَ دَمَهُ بِكَفَيْهِ وَ صَبَّهُ عَلَى رَأْسِهِ مَرَارًا^A</p>	<p>۵۹-دستور شمر برای حمله به امام</p>

	<p>فی خاصرته^A ۹-سقط الحسین A... ۱۰-نزع السهم من نحره.^I ۱۱-فكلما امتلأ من دمه خضب به رأسه و لحيته^A ۱۲-هو يقول: هكذا حتى القي ربي...^{AD}</p>		
	<p>۱-أقبل عمرو بن سعد حتى وقف عليه.^A ۲-قال لأصحابه: انزلو اليه فخذوا رأسه.^{AD} ۳-نزل اليه نصر بن خرشبة الضبابي^A ۴-كان أبرص^I ۵-فضربه برجله^A ۶-فألقاه على قفاه^A ۷-أخذ بلحيته^A ۸-قال له الحسين: انت ابقع الذي...^{AD} ۹-قال: أو تشبهني بالكلاب...^{AD} ۱۰-جعل يضرب بسيفه على مذبح الحسين^A ۱۱-هو يقول: اقتلك اليوم و نفسي</p>	<p>۱-فَدَنَا مِنْهُ عُمَرُ^A ۲-وَقَالَ حَزُّوْا رَأْسَهُ^{AD} ۳-فَقَصَدَ إِلَيْهِ نَصْرُ بْنُ خَرَشِبَةَ^A ۴-فَجَعَلَ يَضْرِبُهُ بِسَيْفِهِ^A ۵-فَغَضِبَ عُمَرُ^{AP} ۶-وَقَالَ لِحَوْلِيِّ بْنِ يَزِيدَ الْأَصْبَحِيِّ أَنْزِلْ فَحَزَّ رَأْسَهُ^{AD} ۷-فَنَزَلَ وَحَزَّ رَأْسَهُ وَسَلَبَ الْحُسَيْنَ مَا كَانَ عَلَيْهِ^A</p>	<p>۶۰-شهادت امام</p>

	<p>تعلّم...^{AD}</p> <p>۱۲- فغضب عمرو</p> <p>بن سعد^{AP}</p> <p>۱۳- قال لرجل: انزل انت الى الحسين</p> <p>فارحه^{AD}</p> <p>۱۴- نزل اليه خولي</p> <p>بن يزيد الاصبحي.^A</p> <p>۱۵- فأختر رأسه^A</p>		
	<p>۱- تقدم إليه رجل من بني تميم يقال له الاسود بن حنظله^{A-E}</p> <p>۲- اخذ سيفه</p> <p>۲- تقدم اليه جعفر بن الوبر الحضرمي</p> <p>۳- اخذ قميصه</p> <p>۴- فلبسه فصار أبرص و أسقط شعره</p> <p>۵- أخذ سراويله يحيى بن عمرو الحرمي</p> <p>۶- فلبسه فصار زماً مقعداً من رجليه</p> <p>۷- أخذ عمامته جابر بن زيد الازدي</p> <p>۸- فأعتم بها فصار مجذوماً</p> <p>۹- أخذ درعه مالك بن بشر الكندي</p>	<p>۱- فَأَخَذَ عَمَامَتَهُ جَابِرُ بْنُ زَيْدٍ الْأَزْدِيُّ وَ قَمِيصَهُ إِسْحَاقُ بْنُ حَوِيٍّ وَ ثَوْبَهُ جَعُونَةُ بْنُ حَوِيٍّ الْحَضْرَمِيُّ وَ قَطِيفَتَهُ مِنْ خَزٍّ قَيْسُ بْنُ الْأَشْعَثِ الْكَنْدِيُّ وَ سَرَاوِيلَهُ بِحَيْرِ بْنِ عُمَيْرِ الْجَرَمِيِّ^{A-E}</p> <p>۲- وَ يُقَالُ أَخَذَ سَرَاوِيلَهُ أَبَجْرُ بْنُ كَعْبِ التَّمِيمِيِّ وَ الْقَوْسُ وَ الْحَلَلُ الرَّحِيلُ بْنُ خَيْثَمَةَ الْجُعْفِيُّ وَ هَانِيُّ بْنُ شَيْبٍ الْحَضْرَمِيُّ وَ جَرِيرُ بْنُ مَسْعُودِ الْحَضْرَمِيُّ وَ نَعْلَيْهِ الْأَسْوَدُ الْأَوْسِيُّ وَ سَيْفَهُ رَجُلٌ مِنْ بَنِي نَهْشَلٍ مِنْ بَنِي دَارِمٍ وَ يُقَالُ الْأَسْوَدُ بْنُ حَنْظَلَةَ^{A-E} ۳-</p> <p>فَأَحْرَقَهُمُ الْمُخْتَارُ بِالنَّارِ^A</p> <p>۴- وَ انْتَدَبَ عَشْرَةَ وَ هُمْ إِسْحَاقُ بْنُ يَحْيَى الْحَضْرَمِيُّ وَ هَانِيُّ بْنُ ثَبِيتِ الْحَضْرَمِيُّ وَ أَدْلَمُ بْنُ نَاعِمٍ وَ أَسَدُ بْنُ مَالِكٍ وَ الْحَكِيمُ بْنُ طَفِيلِ الطَّائِيِّ وَ</p>	<p>۶۱- غارت لباس های امام</p>

۱۰-لبسه فصار معتوهاً	الْأَخْنَسُ بْنُ مَرْثَدٍ وَ عَمْرُ بْنُ صَبِيحِ الْمَذْحِجِيِّ وَ رَجَاءُ بْنُ مُنْقَذِ الْعَبْدِيِّ وَ صَالِحُ بْنُ وَهَبِ الْيَزَنِيِّ وَ سَالِمُ بْنُ خَيْثِمَةَ الْجَعْفِيِّ فَوَطَّئُوهُ بِخَيْلِهِمْ A-E ⁹	
-------------------------	--	--

با یک نگاه تفصیلی به روایت روز ابن شهر آشوب، ابن اعثم و طبری درمی یابیم که بنای ابن شهر آشوب در روایت روز عاشورا بر اختصار بوده است. بنابراین، گشتار کمی در مناقب غالباً از نوع کاهش است. کاهش در دو سطح برش پیرفت‌ها، برش گزاره‌ها و تراش گزاره‌ها قابل پیگیری است. در سطح پیرفت‌ها از مجموع ۱۲۲ پیرفت در دو پیش‌متن (تاریخ طبری ۷۴ پیرفت، الفتوح ۴۸ پیرفت)، ۴۶ پیرفت برگرفته شده است. ۱۵ پیرفت نیز در دو پیش‌متن مورد نظر دیده نمی‌شود. در سطح برش گزاره‌ها، عمده پیرفت‌های طولانی به پیرفت‌های کوتاه تغییر یافته است. در پیرفت ۱، از ۱۰ گزاره روایت طبری، تنها ۳ گزاره ذکر و دیگر گزاره‌ها با اعمال گشتار برش حذف شده است. طبری این پیرفت را از ابومخنف از حارث بن کعب و ابوضحاک از علی بن الحسین بن علی روایت کرده، اما سلسله راویان در روایت ابن شهر آشوب حذف شده است (برش). این برش نشان‌دهنده گرایش شیعی ابن شهر آشوب است. گویی راوی ترجیح داده است روایت را به طور مستقیم از زبان امام سجّاد نقل کند تا در ذهن مخاطب شیعی، ارزش بیشتری بیابد. به بیانی دیگر شخصیت امام سجّاد (ع) در روایت ابن شهر آشوب، از طریق این دلالت ضمنی (قرار گرفتن راوی بدون واسطه) ارزش‌گذاری مکرر شده است. از آن جایی که سبک روایت ابن شهر آشوب، ایجاز و اختصار است، گزاره^{AD} ۸ روایت طبری با اعمال گشتار تراش، به گزاره ۲ در روایت ابن شهر آشوب تبدیل شده است. همزمانی گشتار برش و تراش در این پیرفت، اعمال گشتار تلخیص را اثبات می‌کند. در پیرفت‌های ۲، ۴، ۶ نیز گشتار تلخیص (برش و تراش) قابل پیگیری است. در پیرفت ۲ گزاره‌های ۱، ۴ و ۵ روایت طبری حذف و گزاره‌های ۲، ۳ و ۶ طبری تحت تأثیر سبک روایت، کوتاه‌تر و در گزاره‌های ۲، ۳ و ۴ ابن شهر آشوب انعکاس یافته است. در پیرفت ۴، علاوه بر برش گزاره‌های ۱، ۲، ۳، ۶، ۸، ۹ تا ۱۳، گزاره ۷ روایت ابن اعثم با اعمال گشتار تراش به گزاره ۲ روایت ابن شهر آشوب تبدیل شده است. پیرفت‌های ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۴، ۱۶، ۲۱، ۲۳، ۲۵، ۲۷، ۲۸، ۴۲، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹،

۵۰ تا ۵، ۵۶ تا ۵۹ با اعمال گشتار برش، کوتاه‌تر شده‌اند. بخش اصلی این برش‌ها مربوط به گزاره‌های کنشی شخصیت‌ها و گزاره‌ای اطلاعاتی حاوی توصیف شخصیت‌هاست. در روایت ابن شهرآشوب، کنش جنگیدن و کشته‌شدن شخصیت‌ها و ویژگی آنها از این جهت اهمیت ندارد که با چهارچوب اصلی کتاب او سازگار نیست. در مقابل این برش، او عدد کشته‌شدگان لشکر عمرسعد به پیرفت‌ها افزوده شده‌است (گشتار انبساط) که با توجه به بی‌سابقه بودن این محتوا در دو پیش‌متن مناقب (تاریخ طبری و الفتوح) و دیگر متون پیشین، به نظر می‌رسد که این انبساط تحت تأثیر روایت‌های مشهور دوره ابن شهرآشوب انجام شده‌است. ابن شهرآشوب به طور مستقل به روایت روز عاشورا نپرداخته و روایت عاشورا یکی از ایزوده‌است. موضوع اصلی «مناقب آل ابی طالب» بیان فضائل و ویژگی‌های نیکوی پیامبر اسلام و ائمه (علیهم السلام) است. بر اساس این موضوع، دو دسته از کنش‌ها برای راوی مهم است: ۱- کنش‌های شخصیت‌هایی که از آل ابی‌طالب باشند. ۲- کنش شخصیت‌هایی که به صورت مستقیم در ارتباط با آل ابی‌طالب باشد. در ۶۰ پیرفت روایت ابن شهرآشوب، تمامی کنش‌هایی که حائز این دو ویژگی نیست، یا با اعمال گشتار برش حذف یا با اعمال گشتار تراش، کوتاه‌تر شده‌است. در مقابل، کنش‌هایی که بنابر دو ویژگی مذکور، مهم و قابل توجه است، عیناً روایت و حتی برای کامل‌تر کردن آن از منابعی به جز تاریخ طبری و الفتوح استفاده شده‌است. گزاره‌های ۴۲ تا ۶۱ که مربوط به نبرد و شهادت اهل بیت و امام حسین است، نسبت به گزاره‌های دیگر تفصیل بیشتری دارد و با بهره‌گیری از منابع دیگر، روایت دچار انبساط و برافزودن مضمون شده‌است. نمونه را می‌توان به پیرفت ۵۱ اشاره کرد که شهادت عباس بن علی با تفصیل و جزئیات بیشتری نسبت به دو روایت دیگر، و حتی متفاوت از همه متون پیش از مناقب و احتمالاً تحت تأثیر روایت‌های شفاهی نقل شده یا در پیرفت ۵۹، ابن شهرآشوب تنها یک گزاره از تاریخ طبری برگرفته و برای بیان جزئیات پیرفت، احتمالاً از منبع یا منابع دیگر استفاده کرده‌است. در واقع، می‌توان گفت که شخصیت‌هایی که از اهل بیت به شمار می‌روند، در روایت مناقب نسبت به دو متن دیگر، اهمیت بیشتری دارند و به همین دلیل، نظام ارزشی این شخصیت‌ها در روایت ابن شهرآشوب اصلاح شده‌است (ارزش‌گذاری مکرر). راوی این اهمیت را از دو طریق به نمایش گذاشته‌است؛ نخست تفصیل رفتارها و جزئیات مربوط به این شخصیت‌ها که در گزاره‌های ۴۲ تا ۶۰ قابل پیگیری است و دیگر دلالت‌های ضمنی بهتر و شریفانه‌تر؛

۱۵ پیرفت در روایت ابن شهرآشوب قابل پیگیری است که نه تنها در هیچ یک از دو

پیش‌متن (تاریخ طبری و الفتوح)، که در متون دیگر هم دیده نمی‌شود و ابن شهر آشوب نیز سخنی درباره منبع این بخش‌ها ذکر نمی‌کند که احتمال بهره‌گیری از سنت شفاهی را در بازسازی این پیرفت‌ها فرایاد می‌آورد. علاوه بر این، انبساط درونی پیرفت‌های مربوط به کنش شخصیت اهل بیت در سطح افزودن گزاره‌ها نیز دیده می‌شود. پیرفت ۲۸ روایت ابن شهر آشوب از لحاظ معنایی با هر دو روایت ابن اعثم و طبری برابری می‌کند. بدین نحو که گزاره نخست از گزاره نخست الفتوح و گزاره سوم از گزاره سوم طبری و گزاره دوم که در هیچ کدام از دو پیش‌متن نیست، از منبع دیگری برگرفته شده‌است. در پیرفت ۳۶ گزاره‌های ۳ و ۴ در پیرفت ۳۷، گزاره‌های ۲ و ۳، در پیرفت ۳۸ گزاره ۳، در پیرفت ۳۹ گزاره‌های ۲ و ۳، در پیرفت ۴۰ گزاره‌های ۲ و ۳، از پیش‌متنی دیگر برگرفته شده‌است. بر اساس این توضیحات، ابن شهر آشوب، روایت عاشورا را به شیوه التقاطی از پیش‌متن‌ها برگرفته‌است. بدین معنا که با تطبیق و مقایسه پیش‌متن‌ها در دو سطح پیرفت و گزاره، رویداد عاشورای ۶۱ هجری را به گونه‌ای روایت کرده‌است تا کنش‌های اهل بیت نسبت به پیش‌متن‌ها آشکارتر جلوه کند.

نتیجه‌گیری

بر اساس تطبیق و مقایسه روایت عاشورا در مناقب ابن شهرآشوب، تاریخ طبری و الفتوح ابن اعثم کوفی بر اساس نظریه فزون‌متنیت ژنت نتایج زیر به دست آمد:

- ۱- روش بهره‌گیری ابن شهرآشوب از پیش‌متن‌ها التقاطی بوده‌است؛ بدین معنا که راوی با مقابله روایت‌ها در پیش‌متن‌های مد نظر خود، روایت را در دو سطح پیرفت و گزاره بازسازی کرده‌است. بنابراین، از هر کدام از پیش‌متن‌ها پیرفتی را برگرفته که با سیر اصلی کتاب خود، مناقب آل ابی‌طالب، همخوانی داشته‌است. پس از این در سطح گزاره‌ها نیز به گزاره‌های پیش‌متن واحد پای‌بند نبوده‌است و برای بیان جزئیات مربوط به کنش‌های اهل بیت، از چند پیش‌متن بهره گرفته‌است که می‌تواند نمونه‌ای از اعمال گشتار انبساط باشد. این انبساط، عمدتاً با بهره‌گیری از روایت‌هایی که در دوره روای مشهور بوده انجام شده‌است. چرا که بخش‌های برافزوده در روایت ابن شهرآشوب، نه تنها در دو پیش‌متن (تاریخ طبری و الفتوح) که در روایت‌های مکتوب پیش از این نیز قابل پیگیری نیست.
- ۲- بیشترین گشتار اعمال شده در روایت ابن شهرآشوب، از نوع گشتار کمی است. از آن جایی که هدف اصلی راوی در کتاب «مناقب آل ابی‌طالب» بیان فضائل و ویژگی‌های اهل بیت است، گزاره‌های حاوی کنش و توصیف شخصیت‌های دیگر با اعمال گشتار برش از روایت کنار گذاشته شده‌اند. از آن جایی که سبک روایت ابن شهرآشوب، مبتنی بر اختصار و ایجاز است، برخی از گزاره‌ها نیز با اعمال گشتار تراش، کوتاه‌تر شده‌اند.
- ۳- شخصیت امام حسین (ع) و دیگر اهل بیت از طریق اصلاح نظام ارزشی در رفتارها و نیز دلالت‌ها ضمنی، ارزش‌گذاری مکرر شده‌است. راوی از طریق تفصیل جزئیات مربوط به این شخصیت‌ها در کنار برش کنش دیگر شخصیت‌ها، اساس روایت خود را برای شرح کردار اهل بیت قرار داده‌است. در واقع، هدف راوی، نه روایت روز عاشورا با بیان همه جزئیات، که بیان کنش‌ها و واکنش‌های آل ابی‌طالب در عاشورای ۶۱ هجری بوده‌است.

منابع

- ۱- ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۹۲). مناقب آل ابی طالب. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی
- ۲- احمد بن اعثم کوفی، ابی محمد. (۱۴۱۱). الفتوح، جلد ۵، تحقیق علی شیری، بیروت: دار الاضواء
- ۳- احمدی، بابک (۱۳۷۰). ساختار و تأویل متن. چاپ سوم، تهران: مرکز
- ۴- اسکولز، رابرت (۱۳۷۹). عناصر داستان. ترجمه فرزانه طاهری، چاپ اول، تهران: مرکز
- ۵- اسلامی، محمدجعفر (۱۳۹۲). بررسی منابع مفقوده اهل سنت در مناقب آل ابی طالب. مجموعه مقالات نخستین کنگره بین المللی علامه ابن شهر آشوب ساروی مازندرانی، صص ۵۶-۷۷
- ۶- بامشکی، سمیرا (۱۳۹۱). روایت شناسی داستانهای مثنوی. چاپ اول، تهران، هرمس
- ۷- حسینی، زینب السادات (۱۳۹۵). روش شناسی کتاب مناقب آل ابیطالب و آسیب شناسی آن در نقل از منابع اهل سنت. نیم سال نامه حدیث و اندیشه، شماره ۲۱، صص ۵-۲۲
- ۸- جعفریان، رسول (۱۳۸۰). درباره منابع تاریخ عاشورا. آیین پژوهش، شماره ۷۲، صص ۴۱-۵۲
- ۹- خدابخشی، الهام و محمودی، مریم و داوری، پریسا (۱۳۹۸). بینامتنیت قرآنی در طرب المجالس براساس نظریه ژرار ژنت. پژوهش های ادبی - قرآنی، سال هفتم تابستان، شماره ۲ (پیاپی ۲۶)، صص ۱۱۹-۱۳۹
- ۱۰- رضایی، الهام (۱۳۹۲). بررسی روایات تاریخ کربلا با تاکید بر مناقب ابن شهر آشوب. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن و حدیث، دانشگاه مازندران، دانشکده الهیات و معارف اسلامی
- ۱۱- رنجبر، محسن (۱۳۸۶). سیری در مقتل نویسی و تاریخ نگاری عاشورا از آغاز تا عصر حاضر. تاریخ در آینه پژوهش، شماره ۱۵، صص ۵۳-۹۰
- ۱۲- کریمی فرد، غلامرضا (۱۳۹۶). بینامتنی روایی در صحیفه سجادیه بر اساس

- نظریه ژرار ژنت. *مطالعات ادبی متون اسلامی*، سال دوم بهار، شماره ۱ (پیاپی ۵)، صص ۳۵-۶۰
- ۱۳- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، (۱۳۷۵)، *تاریخ الامم والملوک*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ۱۴- ملاکاظمی، علی (۱۳۹۰). *گونه‌های نقد و روش‌های حل تعارض در اخبار عاشورا*. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق
- ۱۵- یلمه‌ها، احمد رضا و رحیبی، مسلم (۱۳۹۶). *تجلی آیات الهی در اشعار سنایی بر اساس بینامتنیت ژرار ژنت. پژوهش‌های ادبی - قرآنی*، سال پنجم تابستان، شماره ۲ (پیاپی ۱۸)، صص ۳۷-۵۷
- Genette, Gerard. (۱۹۹۷) *palimpsests: literature in second Degree*. Trans: Channa Newman and Calude Doubinsky. Lincoln: University of Nebraska press